



The Status of Criminalization of Forgery and Abuse of Fingerprint Whitewashing in Iranian law

Hasan Hajitabar Firozjaee

Associate Professor, Department of Law, Ghaemshahr Branch, Islamic Azad University, Ghaemshahr, Iran. Email: h.hajitabar@iau.ac.ir

Article Info

Article type:
Original Research

Article history:
Received
Received in revised form
Accepted
Available online
(Times New Roman 9)

Keywords:
Criminalization,
fingerprints, forgery,
misuse of fingerprint whites

ABSTRACT

One of the legal challenges related fingerprints in Iranian criminal law is the issue of criminalizing forgery of fingerprints or misuse of fingerprint whites; because despite referring to the words "signature or seal" in the criminalization of forgery and misuse of seal whites or signature whites (Articles 523 and 673 of the Tazirat Code of 1375), the legislator is silent about fingerprints. Therefore, considering the evidentiary aspect of fingerprints in Iranian judicial practice and law, there is uncertainty as to whether fingerprints can be considered as signatures? The result of this research for the purpose explain whether forgery of another's fingerprint or misuse of another's fingerprint whites is a crime in Iranian criminal law and through a library method and descriptive-analytical has shown that there are different views among legal doctrines. The first view is that forging a fingerprint or abusing it is absolutely a crime. The second view is that forging a fingerprint or abusing it is absolutely not a crime. The third view (from the author's perspective) makes a distinction, such that forging the fingerprints of illiterate or literate people who are unable to sign or abuse that crime is a crime, while forging the fingerprints of literate people who are unable to sign or abuse that crime is not. in the current situation, considering the strengths and weaknesses of the two common views and the existing laws regarding the necessity of taking fingerprints from specific individuals and the ineffectiveness of their signatures, as well as the need for the judge to rely on the interpretation principles of criminal law, the third view should be the criterion for action, based on which only forging or misusing fingerprints of illiterate individuals or literate individuals unable to sign can be considered criminal, although the first view is more consistent with social and judicial realities and should be considered and accepted by the legislator in future legislative reforms.

Cite this article:



© The Author(s).

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences

وضعیت جرم‌انگاری جعل و سوءاستفاده از سفید اثر انگشت در حقوق ایران

حسن حاجی‌تبار فیروزجانی

دانشیار گروه حقوق، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران رایانامه: h.hajitabar@iau.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله: پژوهشی

کلیدواژه‌ها:

جرم‌انگاری، اثر انگشت، جعل، سوء- استفاده از سفید اثر انگشت

یکی از چالش‌های حقوقی مرتبط با اثر انگشت در حقوق جزای ایران، مسأله جرم‌انگاری جعل اثر انگشت و یا سوءاستفاده از سفید اثر انگشت است؛ چراکه قانونگذار علیرغم اشاره به واژه‌های «امضاء و یا مهر» در جرم‌انگاری جعل و سوءاستفاده از سفید مهر و یا سفید امضاء (موضوع مواد ۵۲۳ و ۶۷۳ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵)، در خصوص اثر انگشت با سکوت مواجه است. از اینرو، با توجه به جنبه اثباتی اثر انگشت در حقوق و رویه قضایی ایران، این ابهام مطرح است که آیا اثر انگشت را می‌توان در حکم امضاء تلقی کرد؟ نتایج این پژوهش با هدف تبیین جرم بودن یا نبودن جعل یا سوء استفاده از سفید اثر انگشت دیگری و با استفاده از روش کتابخانه‌ای و توصیفی-تحلیلی نشان داده است که میان دکتترین حقوقی، دیدگاه‌های متفاوت وجود دارد. دیدگاه نخست این است که جعل اثر انگشت یا سوءاستفاده از آن مطلقاً جرم است و دیدگاه دوم بر این است که جعل اثر انگشت یا سوءاستفاده از آن مطلقاً جرم نیست. دیدگاه سومی (به نظر نگارنده) در قالب دیدگاه بینابین قابل طرح است، به نحوی که جعل اثر انگشت افراد بی‌سواد و یا باسواد عاجز از امضاء یا سوءاستفاده از آن جرم بوده، در حالی که جعل اثر انگشت افراد باسواد قادر به امضاء یا سوءاستفاده از آن جرم نیست. در شرایط کنونی، با توجه به نقاط قوت و ضعف دو دیدگاه رایج و لحاظ قوانین موضوعه از حیث ضرورت اخذ اثر انگشت از افراد خاص و عدم تأثیر امضاء آنان و همچنین، لزوم اتکا قاضی به اصول تفسیری حقوق کیفری، دیدگاه بینابین می‌بایست ملاک عمل از سوی قرار گیرد که بر مبنای آن فقط جعل و یا سوءاستفاده از اثر انگشت افراد بی‌سواد و یا افراد باسواد عاجز از امضاء می‌تواند واجد وصف کیفری باشد، هر چند دیدگاه نخست با واقعیت‌های اجتماعی و قضایی منطبق‌تر بوده و باید در اصلاحات تقنینی آتی مورد پذیرش مقنن قرار گیرد.

استناد:

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

© نویسندگان.



مقدمه

یکی از اجزای رکن مادی هر جرمی، موضوع آن است. موضوع جرم آن چیزی است که رفتار مجرمانه، اعم از فعل یا ترک فعل، نسبت به آن واقع می‌شود. البته، علم و آگاهی مرتکب علاوه بر رفتار، نیز باید متوجه موضوع جرم بوده باشد؛ چراکه در صورت فقدان علم و آگاهی مرتکب به موضوع، وجود عمد و یا سوءنیت جزایی منتفی است (ماده ۱۴۴ ق.م.ا).

در حقوق جزای ایران، قانونگذار در دو مورد امضاء و یا مهر را به عنوان موضوع جرم معرفی نموده است که اولی، جعل امضاء و یا مهر (ماده ۵۲۳ ق.م.ا.ب ۱۳۷۵) و دومی، جرم سوءاستفاده از سفید مهر و یا سفید امضاء (ماده ۶۷۳ ق.م.ا.ب ۱۳۷۵) است.

در تعریف اثر انگشت چنین بیان شده است:

«اثر انگشت عبارت است از شیارهای روی پوست که بر روی نوک انگشتان و شست دست قرار دارد» (به نقل از: دیانتی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۹) یا در تعریف نسبتاً مشابه دیگر،

«اثر انگشت عبارت است از خطوط پوست انگشتان و سطوح کف دست و کف پا که خطوط برجسته یا اصطکاکی نامیده می‌شود» (انصاری، ۱۳۸۰، ص ۷۶).^۲ همچنین، در تعریف دیگر آمده است:

«منظور از اثر انگشت، خطوط و شیارهای خاص انگشتان دست و پا است، که به هنگام لمس اشیاء بر روی آن‌ها باقی می‌ماند و در افراد مختلف تفاوت دارد (شیری، ۱۴۰۱، ص ۱۵۰).

اثر انگشت افراد هم در قلمرو حقوق خصوصی و هم در قلمرو علوم جنایی نظیر علم جرم‌پایی، آیین دادرسی کیفری، حقوق جزای اختصاصی دارای کاربرد بسزایی، هم از حیث اثبات صحت و یا عدم صحت انتساب یک عمل حقوقی (عقد و یا ایقاع) به فرد معین و هم از لحاظ اثبات کشف جرائم و انتساب و یا عدم انتساب آن به فرد معین، است. بدیهی است که یکی از شرایط اساسی صحت اعمال حقوقی اعم از عقود و ایقاعات، داشتن قصد و رضا است (ماده ۱۹۰ ق.م.ا). قصد و رضا محقق نمی‌شود مگر به شرط مفروض بودن به چیزی که دلالت بر آن نماید (ماده ۱۹۱ ق.م.ا). قصد و رضا به واسطه رفتارهایی چون الفاظ، نوشتن، اشاره و عمل قابل اثبات هستند.^۳ در عقود و یا ایقاعات نوشتاری، امضاء، مهر و یا اثر انگشت را می‌توان به تنهایی و یا به صورت ترکیبی به عنوان یکی از شیوه‌های اعلام و انشاء اراده تلقی کرد. نقش بارز هر یک از امضاء، مهر و اثر انگشت در قسمت ذیل آن نوشته بیانگر این است که آن نوشته از سوی شخص معین صادر و یا مورد قبول واقع شده است. به عبارت دیگر، آن نوشته قابلیت انتساب به شخص معین را داشته و می‌تواند اساس و پایه مطالبه حق و یا طرح دعوا در مراجع قضایی و قانونی قرار گیرد.

اما سؤال اساسی در این نوشتار آن است که با توجه به اهمیت و ارزش اثباتی اثر انگشت در عرف و رویه قضایی، آیا در حقوق جزای ایران، اثر انگشت را می‌توان در حکم امضاء تلقی کرد؟ به ویژه اینکه در قلمرو حقوق کیفری با توجه به سکوت قانونگذار در موادی چون ۵۲۳ و ۶۷۳ قانون مجازات اسلامی بخش تخریفات مصوب ۱۳۷۵

^۱- در تعریف اصطلاح سفید امضاء گفته شده است: «ورقه‌ای است که به صورت ناقص تنظیم گردیده و به شخص سپرده، و یا آنکه شخص به هر طریقی آن را بدست آورده و اقدام به تکمیل قسمت‌های ناقص نموده، و از آن وضعیت سوء استفاده می‌نماید. بنابراین، در سفید امضاء صرفاً امضاء و یا مهر امضاء در ذیل آن ورقه وجود داشته، و مرتکب پس از تکمیل مندرجات آن، اقدام به سوءاستفاده از آن می‌نماید (مؤیدی، ۱۴۰۱، ص ۱۳۷۰).

^۲- سابقه تاریخی بررسی خطوط برجسته سرانگشتان و کف دست و پا به صورت علمی به نیمه دوم قرن هفدهم میلادی بر می‌گردد. در سال ۱۶۸۴ دکتر نهیما گریو در انگلستان و در سال ۱۶۸۶ دکتر مارسلو مالیگی در ایتالیا این خطوط برجسته و نیز منافذ ریز پوست کف دست و پا را از دیدگاه پزشکی بررسی کردند. ضمناً، نتایج تحقیقات در خصوص اهمیت کاربرد اثر انگشت اشخاص بیانگر این است که اولاً، بر اثر مرور زمان نقش خطوط برجسته سرانگشتان اشخاص تغییر پیدا نمی‌کند؛ ثانیاً، این نقوش در هر شخصی منحصر به فرد است و با دیگران تفاوت دارد (به نقل از: مؤذن‌زادگان و حمیدزاده اربابی، ۱۳۹۲: ص ۱۰۱ و دیانتی، ۱۳۹۲: ص ۱۲۲-۱۲۳ و ۱۲۶).

^۳- مواد ۱۹۲ الی ۱۹۴ ق.م.

نسبت به قید «اثر انگشت» در کنار امضاء و مهر، تکلیف جرم‌انگاری جعل اثر انگشت^۱ و یا سوءاستفاده از سفید اثر انگشت در حقوق جزای موضوعه ایران چیست؟ لذا پرداختن به این سؤال‌ها و ارائه پاسخ مناسب به منظور تأمین اجرای عدالت و نظام‌بخشی در اعمال قواعد حقوقی به ویژه حقوق کیفری ضرورت دارد. به عبارت دیگر، اختلاف- نظر میان دکترین حقوقی در خصوص اثر انگشت این است که آیا کلیه قواعد حاکم بر امضاء، مهر و اثر انگشت در قلمرو حقوق مدنی و حقوق جزا یکسان است؟ بدیهی است که در قلمرو حقوق مدنی، همانطور که در ادامه این پژوهش آمده است، نقش و آثار حقوقی حاکم بر امضاء و مهر درباره اثر انگشت نیز صادق است؛ گرچه قانونگذار در مواردی نیز ابتدائاً درج امضاء را لازم داشته است و اثر انگشت را در صورت عجز از امضاء توسط دادخواست دهنده، واجد اعتبار دانسته است.^۲ اما آیا با توجه به اصول و تکنیک‌های حقوق جزا نیز می‌توان حتی در موارد سکوت قانونگذار، در اشاره به واژه «اثر انگشت» در مواد قانون مجازات اسلامی مثلاً مواد ۵۲۳ و ۶۷۳ ق.م.ا.ت مصوب ۱۳۷۵، در کنار دو واژه دیگر «امضاء» و «مهر»، احکام کیفری ناظر بر امضاء و مهر را بر آن جاری نمود و اثر انگشت را در حکم امضاء و یا مهر دانست؟! و اینکه در صورت اعتقاد به مثبت بودن پاسخ، آیا این حکم اطلاق دارد یا مقید است؟ به عبارت دیگر، آیا جاری داشتن احکام کیفری ناظر به مهر و امضاء بر اثر انگشت شامل تمام فروع اعم از اثر انگشت از افراد باسواد و بی‌سواد می‌شود و یا اینکه این احکام کیفری تنها شامل حالت و موارد خاصی یعنی اثر انگشت اشخاص بی‌سواد و یا باسواد عاجز از امضاء می‌شود و تنها اثر انگشت اشخاص بی‌سواد و یا باسواد عاجز از

^۱ - واژه «جعل» در لغت در معانی گوناگون نظیر ساختن، قرار دادن، وضع کردن، گردانیدن آمده است (عمید، ۱۳۵۷، ص ۳۱۷). اما در تعریف اصطلاحی واژه «جعل» در علم حقوق نیز تعاریف مختلفی بیان شده است که ذیلاً به برخی از آن تعاریف اشاره خواهیم کرد: «جعل عبارت است از: ساختن یا تغییر دادن آگاهانه نوشته یا سایر چیزهای مذکور در قانون به ضرر دیگری به قصد جا زده شدن آنها به عنوان اصل» (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۴، ص ۲۷۸). «قلب متقلبانه حقیقت به زبان دیگری به یکی از طرق مذکور در قانون در یک سند یا نوشته یا چیز دیگر» (گلدوزیان، ۱۳۸۶، ص ۶۴۱) یا «هرگاه کسی با سوءنیت مبادرت به ساختن یا تغییر نوشته یا سند یا چیزهای مصرح در قانون بنماید به نحوی که قابلیت اضرار به غیر داشته باشد نماید» (الهی منش و مرادی اوجقاز، ۱۴۰۰، ص ۲۴۷). «قلب متقلبانه حقیقت در یک سند یا نوشته یا چیز دیگر به یکی از طرق مذکور در قانون به ضرر غیر» (سالاری، ۱۳۸۶، ص ۴۷). «ساختن سند و یا اشیاء مشابه آن برخلاف حقیقت به نحوی که متضمن ضرر به دیگری باشد (منصورآبادی و فتحی، ۱۳۹۰، ص ۲۳). «ایجاد تغییر آگاهانه و متقلبانه یک حقیقت در سند یا نوشته و سایر مواردی که در قانون تصریح شده است برای جازدن آن به جای اصل از طریق ساختن، دست بردن و یا به کار بردن به منظور اضرار به غیر» (بارانی، ۱۴۰۳، ص ۱۸). به طور کلی، جرم جعل عبارت از: «قلب متقلبانه حقیقت در سند یا نوشته و یا چیزهای دیگر مصرح در قانون به یکی از اشکال قانونی با شرط امکان ورود ضرر به دیگری».

بر این اساس، جعل اثر انگشت را می‌توان چنین تعریف کرد: «ساختن یا تغییر اثر انگشت دیگری به قصد تقلب». لذا چنانچه شخصی مبادرت به ساخت و ایجاد اثر انگشت دیگری و یا تغییر و دستکاری در خطوط و شیارهای موجود در اثر انگشت متعلق به دیگری نماید، با این قصد که به موجب آن دیگری را اغوا و تحریک به پذیرش آن به عنوان اصل نماید به نحوی که قابلیت ورود ضرر اعم از بالفعل و یا بالقوه را داشته باشد، می‌توان رفتار وی را در قالب جعل اثر انگشت تعریف کرد. امروزه با توجه به پیشرفت استفاده از تکنولوژی و فناوری‌های نوین، جعل اثر انگشت و یا اثر انگشت تقلبی می‌تواند به دو شکل الف- سنتی (فیزیکی) و ب- الکترونیکی و با استفاده از ابزارها و روش‌های متفاوت مثلاً از طریق چسب مخصوص، خمیربازی، پودر ژلاتین و رژ لب قابل ارتکاب باشد (جهت اطلاع از روش‌های جعل اثر انگشت، ر.ک؛ منبع اینترنتی به آدرس: <https://maxasecurity.com/blog/fingerprint-forgery> تاریخ مشاهده: ۱۴۰۴/۱۰/۰۲).

۱- بند ۷ از ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ مقرر می‌دارد: «دادخواست باید به زبان فارسی در روی برگه چاپی مخصوص نوشته شده و حاوی نکات زیر باشد: ۱- ۲- ۲- ۲- ... ۷- امضاء دادخواست‌دهنده و در صورت عجز از امضاء، اثر انگشت وی».

امضاء را در حکم امضاء دانست؟ این موارد جزء ابهام‌های قانونی است که نگارنده در صدد بررسی آنها به روش توصیفی- تحلیلی و کتابخانه‌ای خواهد بود.^۱

بر این اساس، با توجه به عنوان پژوهش و قلمرو موضوعی آن مطالب این نوشتار در راستای بیان دیدگاه‌های مختلف پیرامون پرسش اصلی پژوهش، به ترتیب دو قسمت نخست، دیدگاه‌های رایج در خصوص وضعیت جرم‌انگاری جعل اثر انگشت و یا سوءاستفاده از سفید اثر انگشت و دوم؛ طرح دیدگاه بینابین (از نگارنده) مورد تقسیم بندی قرار گرفته است و پرداختن به مباحثی مانند تبیین مفهوم جرم جعل و یا سوءاستفاده از سفید مهر یا امضاء، ارکان و مجازات آنها فاقد ضرورت است.

۱. دیدگاه‌های رایج درباره وضعیت جرم‌انگاری جعل و یا سوءاستفاده از سفید اثر انگشت

قانونگذار ایران در اغلب قوانین موجود برای هر کدام از امضاء، مهر و یا اثر انگشت افراد از حیث نقش اثباتی و انتسابی، آثار حقوقی یکسانی قائل شده است. مقصود این است که قانونگذار ایران اثر انگشت را از لحاظ اعتبار در حکم امضاء و یا مهر دانسته است. ضمناً، در نظر عرف و رویه قضایی ایران نیز چنین است. به عنوان مثال، امکان طرح ادعای انکار و تردید و یا جعلیت نسبت به خط امضاء، مهر و اثر انگشت در هنگام رسیدگی توسط کسی که آن سند علیه ابراز شده وجود دارد.^۲ یا حتی اینکه قانونگذار در برخی موارد خاص، درج اثر انگشت را در ذیل سند لازم داشته است، به گونه‌ای که حتی امضاء و یا مهر کفایت نمی‌کند و آن زمانی است که سند جزء اسناد رسمی تنظیمی در دفاتر اسناد رسمی و یا اداره ثبت اسناد و املاک بوده و یکی از متعاملین بی‌سواد بوده باشد.^۳ اما درباره افراد باسواد و یا بی‌سواد دارای امضاء و مهر، نیز اخذ اثر انگشت به تنهایی و یا در کنار امضاء و یا مهر نیز از لحاظ حقوقی یا قضایی واجد ارزش و اعتبار است، ولو اینکه قانونگذار در موارد زیادی فقط به ذکر واژه «امضاء» و یا «مهر» تصریح داشته باشد.

همانطور که اشاره شد، در ارتباط با محور این نوشتار یعنی جاری بودن یا نبودن مقررات کیفری موضوعه حاکم بر جعل امضاء و مهر (ماده ۵۲۳ ق.م.ا.ت) و یا سوءاستفاده از سفید مهر و یا امضاء (ماده ۶۷۳ ق.م.ا.ت) نسبت به اثر انگشت میان دکتترین حقوق کیفری ایران اختلاف نظر و دو دیدگاه کلی وجود دارد که ذیلاً به بیان هر یک از این دو دیدگاه و استدلال طرفداران آن خواهیم پرداخت.

۱-۱. دیدگاه جرم بودن جعل و یا سوء استفاده از سفید اثر انگشت

اعتقاد غالب حقوقدانان و رویه قضایی بر این است که به رغم سکوت قانونگذار در قوانین جزایی ایران، امکان تحقق جرم جعل اثر انگشت و یا سوءاستفاده از سفید اثر انگشت و نیز شمولیت مواد قانونی مربوطه از جمله مواد ۵۲۳ و ۶۷۳ ق.م.ا.ت نسبت به اثر انگشت نیز وجود دارد. زیرا آنان اثر انگشت، لااقل افراد بی‌سواد، را در حکم امضاء و مهر دانسته‌اند. ضمناً، از لحاظ قواعد حقوق مدنی ایران، اثر انگشت دارای آثار حقوقی یکسان با امضاء و مهر است. علاوه بر آن، در توجیه دیدگاه گفته شده است:

۱- در خصوص جنبه جدید و نوآوری موضوع این مقاله در مقایسه با تحقیقات پیشین می‌توان ادعا کرد که با جستجو و ملاحظه پایگاه‌های اینترنتی تخصصی مرتبط با مقالات نظیر پایگاه علمی نورمگز و یا مگیران چنین بر می‌آید که تاکنون مقالات متعددی در ارتباط با اثر انگشت، به شیوه نگارش و چاپ در آمده است، ولی از یکسو، قلمرو موضوعی اغلب آن مقاله‌ها مربوط به حوزه علم جنم‌یابی (پلیس علمی کشف جرائم) و تشخیص هویت افراد بوده است. به عنوان مثال می‌توان به مقاله‌هایی نظیر نقش انگشت‌نگاری در جرم‌یابی اثر عبدالله دیانتی و کاربرد انگشت‌نگاری در جرم‌یابی اثر حسنعلی مؤذن‌زادگان و نجف حمیدزاده اربابی در فصلنامه کارآگاه، سال ششم، دوره ۲، شماره ۲۴ اشاره کرد و از سوی دیگر، تاکنون هیچ مقاله‌ای در ارتباط با موضوع مقاله حاضر یعنی بررسی اثر انگشت در قلمرو حقوق جزای اختصاصی ایران از حیث جرم بودن جعل اثر انگشت و یا سوء استفاده از سفید اثر انگشت انجام و چاپ نشده است.

۱- مواد ۲۱۶، ۲۲۳ و ۲۲۴ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹

۱- ماده ۶۷ قانون ثبت مصوب ۱۳۱۰ با اصلاحات و الحاقات بعدی و ماده ۱۵ آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجراء و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی مصوب ۱۳۸۷

«مهر و اثر انگشت معادل‌های قانونی امضاء به معنای خاص هستند» (پور ارشد، ۱۳۹۰، ص ۱۸۳).

گویا، حتی برخی از طرفداران این دیدگاه، در نوشته‌های خود به طور اطلاق به این موضوع اشاره داشته و فرقی بین اثر انگشت افراد باسواد یا بی‌سواد قائل نشده‌اند. به عبارت دیگر، از نظر آنان حتی جعل اثر انگشت و یا سوءاستفاده از سفید اثر انگشت افراد باسواد و یا افراد بی‌سواد دارای امضاء و مهر نیز می‌تواند واجد هر یک از عناوین مجرمانه فوق‌الذکر بوده باشد.

به عنوان مثال، برخی از حقوقدانان در تأیید این نظر به شرح ذیل چنین بیان داشته‌اند:

«مهر اشخاص و اثر انگشت اشخاصی که امضاء ندارند، در حکم امضاء است و ساختن آن جعل است. پاراف و اثر انگشت و سایر وسایل تأییدیه در صورتی که ساخته شوند مشمول عنوان جعل خواهند بود. به عبارت دیگر، پاراف و اثر انگشت از وسایل تأییدیه محسوب می‌شوند و با استنباط از تمثیلی بودن طرق ارتکاب جعل در ماده قانونی، داخل در وسیله و طریق ارتکاب جعل محسوب می‌شود» (گلدوزیان، ۱۳۸۶، ص ۶۶۳ و گلدوزیان، ۱۳۹۳، ص ۴۷۵ و سالاری، ۱۳۸۶، ص ۹۰ و ۹۱). یا

«برابر آیین‌نامه دفاتر اسناد رسمی، اثر انگشت اشخاصی که فاقد امضاء بی‌سواد می‌باشند همانند مهر آنها در حکم امضاء آنان است. لذا ساختن اثر انگشت اشخاص نیز می‌تواند موجب وقوع جرم گردد؛ کماآنکه در قانون آیین دادرسی مدنی نیز در مواردی به اثر انگشت اشاره نمود و اعتبار آن را برابر امضاء و مهر دانسته است» (سالاری شهر بابکی، ۱۳۹۳، ص ۸۸ و ۹۱ و مصلاهی، ۱۳۸۷، ص ۴۷؛ سلیمان‌پور، ۱۳۴۲، ص ۵۳).

همچنین، برخی دیگر از طرفداران این دیدگاه بیان داشته‌اند:

«اثر انگشت اشخاص بی‌سواد و مهر آنها به منزله و در حکم امضاء است یعنی ساختن و شبیه‌سازی آنها با توجه به تمثیلی بودن طرق ارتکاب جعل مادی، از مصادیق جعل خواهد بود» (ولیدی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۳). یا گفته شده است:

«کاغذی که فقط اثر انگشت دیگری روی آن می‌باشد مصداق موضوع جرم ماده ۶۷۳ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ است زیرا اثر انگشت نیز به منزله امضاء می‌باشد (زارعت، ۱۳۸۵، ص ۲۵۶ و الهی منش و مرادی، ۱۴۰۰، ص ۲۵۳).

همچنین، بیان شده است:

«با توجه به عبارت «و نظایر اینها» در انتهای ماده ۵۲۳ ق.م.ا (۱۳۲۵) جعل اثر انگشت در حکم جعل امضاء است. چون اثر انگشت در ذیل یک سند به معنای تأیید مندرجات متن توسط صاحب اثر انگشت است. ماده ۲۲۴ ق.آ.د.م (۱۳۷۹) نیز جعل اثر انگشت را به رسمیت شناخته است» (شیری، ۱۴۰۱، ص ۳۰ و ۱۵۱).

علاوه بر آن، در تقویت این دیدگاه، برخی دیگر از حقوقدانان در تبیین جرم بودن یا نبودن جعل اثر انگشت افراد، ضمن پذیرش دیدگاه جرم بودن جعل اثر انگشت افراد، موضوع را بدین نحو تشریح کرده‌اند. الف- «در خصوص جعل با امضاء یا اثر انگشت واقعی مثلاً اثر انگشت شخصی را در حالت خواب یا فوت قبل از دفنش بگیرند یا اخذ امضاء واقعی شخص به طور متقلبانه آیا جعل محسوب می‌شود یا خیر؟ ضمن پذیرش تحقق جرم جعل نسبت به اخذ اثر انگشت واقعی، بیان داشته‌اند که رویه قضایی نیز این اقدام را جعل می‌داند» (بارانی، ۱۴۰۳، ص ۳۴). ب- در خصوص امکان تحقق جعل اثر انگشت افراد، وقتی که با همدیگر متفاوت بوده و هیچ شباهتی میان اثر انگشت کلیه افراد وجود ندارد، نیز بیان داشته‌اند: «در ماده ۵۲۳ ق.م.ا.ب اشکال جعل به عنوان تمثیل ذکر شده است و می‌تواند شامل اثر انگشت هم باشد به این صورت که با زدن اثر انگشت شخصی در کنار نام دیگری، امکان به اشتباه انداختن افراد متعارف وجود دارد و معمولاً هم افراد به خطوط اثر انگشت هم توجه نمی‌کنند (همان، ص ۳۴ و شریفی، ۱۴۰۳، ص ۱۸۲). اما اینکه آیا درج اثر انگشت ناقص یا منقوش فرد ذیل یک سندی جعل است یا خیر؟ اداره کل حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی شماره ۷/۲۷۷۵ مورخ ۱۸/۱۱/۱۳۹۳ چنین پاسخ داده است:

«صرف منقوش کردن سند با اثر انگشت ناقص را با توجه به ماده ۵۲۳ ق.م.ا.ب نمی‌توان از مصادیق جعل در اسناد تلقی کرد هر چند به قصد تقلب انجام شده باشد» (به نقل از: همان، ص ۳۵ و ۳۶).

همچنین، در رویه قضایی نیز جعل اثر انگشت واجد وصف کیفری و مجازات دانسته شده است که به عنوان مثال می‌توان به نمونه آرای قضایی ذیل اشاره کرد:

۱- دیوان عالی کشور در آرای متعددی، جعل اثر انگشت دیگری را جرم و قابل تعقیب و مجازات دانسته است که برخی از حقوقدانان در تقویت نظر دیدگاه خود، بدان آراء نیز استناد جستند که به عنوان نمونه می‌توان به آراء ذیل اشاره داشت:

رای شماره ۱۴۴۲-۱۳۶۹/۱۱/۴ صادره از شعبه ۱۳ دادگاه کیفری یک تهران: «به موجب این رأی جعل اثر انگشت شخص مرده جرم شناخته شده است» (بازگیر، ۱۳۷۶، ص ۱۸۴ تا ۱۸۶).

رای شماره ۱۲۱۲-۱۳۲۸/۸/۱۰ دیوان عالی کشور: «قانون امضاء را تعریف نکرده است و اثر انگشت بی سواد هم نسبت به این قبیل اشخاص امضاء محسوب است» (به نقل از: سالاری شهرابی، ۱۳۹۳، ص ۹۱).

یا رأی شماره ۲۵۷۴-۱۳۱۹/۸/۲۵ صادره از شعبه ۵ دیوان عالی کشور: «اگر در ورقه مصالحه نام ساختگی، مهر یا امضاء یا محل اثر انگشت منتسب به کسی که ورقه به نام او نوشته شده، موجود نباشد چون چنین ورقه ای هیچ گونه سندیتی ندارد عمل مشمول موارد موضوعه در قسمت جعل نبوده و جرم به شمار نمی رود» (به نقل از: سالاری شهرابی، ۱۳۹۳، ص ۸۸).

۲- رأی شماره ۹۲۰۹۹۷۴۴۱۴۱۰۰۶۰۵ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۱۵ صادره از شعبه ۵ دادگاه تجدیدنظر استان آذربایجان غربی (به نقل از: الهی منش و مرادی اوجقاز: ۱۴۰۰، ص ۲۵۳ پاورقی). یا دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۲۱۰۰۳۲۶ مورخ ۱۳۹۳/۰۴/۱۰ صادره از شعبه ۲۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران نیز دلالت بر امکان تحقق بزه جعل نسبت به اثر انگشت دارد؛ هرچند در دادنامه مورد اشاره به لحاظ فقدان دلیل کافی حکم برائت متهم صادر گردیده است (منبع اینترنتی: <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/8027> تاریخ مشاهده: ۱۴۰۴/۰۷/۰۷).

برخی از حقوقدانان در تأیید شمولیت موضوع ماده ۶۷۳ ق.م.ا.ت ۱۳۷۵ به سوء استفاده از سفید اثر انگشت نیز بیان داشته اند:

«سفید مهر یا سفید امضاء موضوع جرم ماده ۶۷۳ ق.م.ا.ت بوده و مصداق بارز این دو، نوشته هایی است که فقط دارای مهر یا امضاء هستند، اما نمی توان موضوع جرم سفید امضاء یا مهر را به این مفهوم فروکاست. بنابراین اگر اثر انگشت و یا نام و نام خانوادگی، امضاء شناخته شوند نباید تردیدی در شمول سفید امضاء بر آن نمود و بنابراین منظور قانونگذار تنها دو واژه «مهر و امضاء» نبوده است» (آقایی نیا و رستمی، ۱۴۰۴، ص ۳۰۸، حبیب زاده، ۱۳۹۳، ص ۲۷۲ و آزمایش، ۱۳۸۲، ص ۴۳).

یا برخی در تأیید این نظر معتقدند:

«منظور از مهر در ماده ۶۷۳ ق.م.ا.ت تعزیرات، اعم از خود مهر یا امضاء و یا ترکیب آنها، اثر انگشت و بالاخره هر علامتی است که نشان دهنده تأیید متن نوشته به وسیله سپارنده باشد» (حبیب زاده، ۱۳۸۸، ص ۲۷۲).

برخی از حقوقدانان در تأیید این دیدگاه بیان شده است:

«در این که اثر انگشت نیز امضاء محسوب می شود یا خیر. بایستی آن را به منزله امضاء دانست، چراکه انتساب آن از امضاء به مراتب راحت تر و اعتبار آن بیشتر از امضاء است. لذا امضای یک برگه سفید یا یک چک، با اثر انگشت زیر برگ سفید تفاوتی ندارد و هر دو قابلیت تعقیب کیفری را دارند. از سویی، شاید بتوان گفت مهر یا امضاء از باب غالب آمده است.» (الهی منش و مرادی اوجقاز، ۱۴۰۱، ص ۱۸۶ و شامیاتی، ۱۳۹۸، ص ۳۸۶).

همچنین، گفته شده است:

«این استدلال که ماده ۵۲۳ ق.م.ا.ت به اثر انگشت تصریح نکرده و در نتیجه، جعل در آن مصداق ندارد، با توجه به اینکه جعل اثر انگشت، در بیشتر موارد منتهی به ساختن یا تغییر دادن نوشته یا سند می شود و مصادیق مذکور در این ماده، به قید تمثیل (نظایر این ها) اشاره شده و افاده حصر نمی کنند، قابل پذیرش نیست، زیرا جعل اثر انگشت می تواند مصداق بارز ساختن محسوب شده و در صورت قرار گرفتن در نوشته یا سند با ماده ۵۳۶ ق.م.ا.ت قابل انطباق باشد. ضمناً، اثر انگشت را می توان مصداقی از علائم محسوب نمود که اعتباری همچون امضاء دارد. افزون بر این، ماده ۶۷ قانون ثبت اسناد و املاک و نیز مواد ۵۳، ۶۰، ۶۹، ۱۳۲، ۱۴۱، ۱۹۹، ۲۰۷، ۲۱۲، ۳۱۹، ۴۸۸ و ۶۵۵ ق.آ.د.ک، اثر انگشت را در ردیف امضاء و هم تراز با آن شناسایی کرده و اثر انگشت افراد بی سواد و فاقد توانایی امضاء کردن را اعتبار و رسمیت بخشیده است» (آقایی نیا و رستمی، ۱۴۰۳، ص ۱۸۷).

۱- قابل ذکر است علیرغم جستجوی دقیق از طریق پایگاه های اینترنتی و یا سایت پژوهشگاه قوه قضائیه (سامانه ملی آرای قضایی) امکان دسترسی به نمونه آرای قضایی در خصوص جرم بودن یا نبودن جعل اثر انگشت و حتی سوء استفاده از سفید اثر انگشت وجود نداشته و به تعبیر دیگر، نمونه آرای قضایی در این خصوص یافت نشده است.

علاوه بر این، نظر هیأت عالی و اتفاقی موضوع صورتجلسه نشست قضایی مورخ ۱۳۸۱/۰۸/۱۶ برگزار شده در شهر شبستر از استان آذربایجان شرقی با موضوع «امکان استفاده از اثر انگشت به جای مهر در اسناد تجاری»، چنین بوده است:

«نظر هیئت عالی: هر چند از مقررات مواد ۲۲۳ و ۳۰۹ و ۳۱۱ قانون تجارت و مواد ۳ و ۴ قانون صدور چک مصوب سال ۱۳۵۵ و اصلاحیه‌های بعدی آن به ظاهر چنین استنباط می‌شود که برات و سفته باید به امضاء و یا مهر، دهنده برات، سفته و چک، به امضای صادرکننده آن برسد، نظر به این‌که مفاد ماده ۲۲۶ قانون تجارت، در مقام احصای شرایط اساسی تنظیم برات، موارد هفتگانه‌ای را ذکر کرده که در صورت فقدان هر یک از آن شرایط، برات مشمول مقررات راجع به اسناد تجاری نیست و ذکری از امضاء یا مهر برات و همچنین قید کلمه برات روی ورقه نکرده است و از آنجا که مراد و منظور از امضاء یا مهر اسناد تجاری، قبول تعهد بر پرداخت به موقع مبلغ مندرج در آن اسناد بوده و به لحاظ این‌که در عرف جامعه ما اثر انگشت هم متضمن این معناست و ذکر عبارت امضاء یا مهر از باب وجه غالب بوده است، به نظر می‌رسد در صورتی‌که اسناد تجاری دارای اثر انگشت به جای امضاء باشند، باز هم قواعد و مقررات قانون تجارت بر آن‌ها حاکم است. نظر اتفاقی: مطابق ماده ۲۲۳ و ۳۰۸ قانون تجارت برات و سفته به امضاء یا مهر برات‌دهنده یا صادرکننده سفته و برابر ماده ۳۱۱ قانون مرقوم چک باید با امضا صادرکننده باشد. لذا چنانچه صادرکننده به جای امضاء اثر انگشت خود را ذیل اسناد مرقوم زده باشد سند موصوف را نمی‌توان سفته یا برات یا چک تلقی نمود. دارنده نمی‌تواند از مزایای قانون تجارت بهره‌مند گردد بلکه می‌توان به عنوان یک سند مدنی تعهدآور تلقی کرد.» (منبع اینترنتی: <https://davoudabadi.ir/page/8053176> تاریخ مشاهده: ۱۴۰۴/۰۷/۲۶).

همچنین، در تقویت دیدگاه گروه نخست نیز می‌توان چنین استدلال کرد که: اولاً، قانونگذار در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹، در فصل مربوط به رسیدگی به دلایل (اسناد: انکار و تردید، ادعای جعلیت و رسیدگی به صحت و اصالت اسناد) همواره در کنار واژه‌های «امضاء و مهر»، واژه «اثر انگشت» را نیز به کار برده است (مواد ۲۱۶، ۲۲۳، ۲۲۴ و ۲۲۶ ق.آ.د.م. مصوب ۱۳۷۹). ثانیاً، استفاده قانونگذار از واژه «امضاء و مهر» در مواد قانونی فوق‌الذکر و یا در قوانین دیگر مثلاً بند ۳ ماده ۴۹ قانون ثبت مصوب ۱۳۱۰ با اصلاحات و الحاقات بعدی ناظر به موارد اغلب بوده و قانونگذار قصد خروج اثر انگشت را نداشته است.

ثالثاً، نه تنها ارزش اثباتی و قضایی اثر انگشت به عنوان یکی از ادله اثبات دعوا همانند امضاء و مهر بوده، که حتی اثر انگشت هیچ‌کسی در دنیا با دیگری مشابه نخواهد بود. لذا جرم ندانستن جعل اثر انگشت و یا سوءاستفاده از سفید اثر انگشت بر خلاف مقصود واقعی قانونگذار و منطبق حقوقی (لزوم هماهنگی میان ضمانت اجرا در حقوق مدنی با حقوق کیفری) بوده و یک نوع ترجیح بلامرغ محسوب خواهد شد.

البته، معاونت حقوقی و امور مجلس قوه قضائیه نیز همسو با دیدگاه فوق و در راستای رفع ابهام و اشکال قانونی موجود پیرامون شمول جرم جعل نسبت به اثر انگشت افراد (اعم از افراد با سواد یا بی‌سواد و یا عاجز از امضاء یا قادر به آن) در زمستان ۱۴۰۳، اقدام به تدوین پیش‌نویس لایحه اصلاح باب پنجم قانون مجازات اسلامی (لایحه تعزیرات) نموده که به موجب ماده ۱۱۶ از لایحه مزبور به صراحت جعل اثر انگشت افراد را به طور مطلق مورد جرم‌انگاری به شرح ذیل قرار داده است:

«جعل عبارت است از ساختن نوشته یا سند یا هرگونه تغییر در نوشته یا سند اصیل از قبیل خراشیدن، تراشیدن، قلم بردن، الحاق، محو، اثبات، سیاه کردن، تقدیم یا تأخیر تاریخ نسبت به تاریخ حقیقی آن، الصاق نوشته‌ای به نوشته دیگر یا تحریف مطالب یا اظهارات دیگری حین تقریر آنها یا شبیه‌سازی یا ساختن مهر یا امضای اشخاص یا به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آنها یا انگشت زدن به جای دیگری یا ساختن اثر انگشت دیگری یا به کار بردن آن بدون رضایت وی در فضای واقعی یا مجازی و نظایر آنها به قصد تقلب. تبصره - ارتکاب رفتارهای موضوع این ماده در تصویر یا رونوشت سند یا نوشته اعم از این که تصدیق شده یا متعاقباً تصدیق شود، در حکم جعل محسوب می‌گردد.» (منبع اینترنتی: <https://vokalapress.ir/> تاریخ مشاهده: ۱۴۰۴/۰۷/۲۵).

۱-۲. دیدگاه جرم نبودن جعل و یا سوءاستفاده از سفید اثر انگشت

برخی از حقوقدانان محترم با تکیه بر اصول و قواعد حاکم بر حقوق جزا از جمله اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اصل برائت و قواعدی تفسیری مانند قاعده تفسیر مضیق از قوانین جزایی و منع تفسیر موسع و منع توسل به قیاس در

امور جزایی و تفسیر به نفع متهم (قاعده در- ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) بر این اعتقادند که در حقوق موضوعه ایران، ساختن اثر انگشت و یا سوءاستفاده از سفید اثر انگشت جرم و قابل مجازات نیست. به عنوان مثال، گفته شده است:

«ظاهراً نمی‌توان جعل اثر انگشت را در حکم جعل امضاء دانست و با توجه به عدم نص صریح و لزوم تفسیر مضیق نصوص جزایی، این امر نیاز به جرم‌انگاری خاص از سوی مقتن دارد» (میرمحمد صادقی، ۱۴۰۴، ص ۲۸۴ و فضلای، ۱۴۰۱، ص ۲۸۳). یا

«... چون ماده ۵۲۳ ق.م.ا.تغیرات فقط از امضاء و مهر نام برده شده لذا نوشته بدون امضاء و مهر هر چند دارای اثر انگشت باشد از مصادیق بزه جعل خارج است» (پیمانی، ۱۳۶۶، ص ۱۱).

همچنین، در تقویت این نظر برخی معتقدند:

«مصادیق مذکور در ماده ۶۷۳ ق.م.ا.ت. ۱۳۷۵ حضری می‌باشد نه تمثیلی. دلیل دیگری که تقویت کننده این استدلال است. اینکه، در زمان تدوین قانون مجازات اسلامی و حتی قبل از آن (قانون تعزیرات ۱۳۶۲ و قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴) فقط از مهر و امضاء استعمال شده و نمی‌توان ادعا نمود که، در زمان تصویب مواد یاد شده، اثر انگشت اثر خارجی نداشته است، بلکه اثر انگشت قدمتی حدوداً ۱۶۰ ساله دارد. (از سال ۱۸۵۸ میلادی اثر انگشت کشف گردیده) یعنی ۸۰ سال قبل از تصویب قانون مجازات عمومی (۱۳۰۴)، اثر انگشت، فواید و انواع آن کشف شده بود و اگر قانونگذار می‌خواست سوءاستفاده از سفید اثر انگشت را به مانند سفید امضاء مجرمانه تلقی نکند با ابهامی مواجه نبود؛ چراکه در آن زمان اثر انگشت، کشف گردیده بود و عدم ذکر آن در قانون سابق و فعلی حکایت از رد ادعای کسانی دارد که اعتقاد دارند که جرم موضوع ماده ۶۷۳ ق.م.ا. شامل اثر انگشت خواهد بود» (مؤیدی، ۱۴۰۱، ۱۳۷۲).

در مقایسه میان این دیدگاه با دیدگاه قبلی باید گفت که دیدگاه نخست با واقعیت‌های عملی و حقوقی جامعه به لحاظ کاربرد و اهمیت حقوقی و قضایی اثر انگشت همسو می‌باشد ولی دیدگاه دوم با اصول و تکنیک‌های تفسیری حقوق جزا همخوانی دارد؛ به عبارت دیگر، نمی‌توان راه حل سکوت قانون جزایی را با تفسیر موسع از آن برطرف کرد؛ چراکه این پذیرش تفسیر موسع از قوانین جزایی به منزله توسعه جرم‌انگاری قضایی تلقی شده که با اهداف و مبانی فلسفی و حقوقی اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها منافات دارد.

۲. طرح دیدگاه بینابین

با توجه به نقاط قوت و ضعف دو دیدگاه رایج پیرامون موضوع و در نظر گرفتن قوانین و مقررات موجود از حیث ضرورت اخذ اثر انگشت افراد خاص در موارد مشخص و عدم کاربرد قضایی و حقوقی امضاء آن افراد از یکسو و ضرورت پایبندی به اصول و قواعد حقوق جزا و نیز اقتضای منطق حقوقی از سوی دیگر، نگارنده قائل به طرح دیدگاه سوم در قالب یک رویکرد تلفیقی می‌باشد، هر چند نگارنده در جمع بندی نهایی و برآمدن این پژوهش دیدگاه نخست را به لحاظ تطبیق با واقعیت‌های اجتماعی و منطق حقوقی و قضایی قابل دفاع تر دانسته و با ابتناء بر آن دیدگاه مبادرت به ارائه پیشنهادها مناسب نموده است، ولی در شرایط فعلی با لحاظ موارد قانونی خاص به شرح ذیل، تا زمان اصلاح و تغییر در قوانین، باید دیدگاه بینابین را در محاکم قضایی قابل اجرا دانست، با این قید که این دیدگاه تاکنون در میان دیدگاه‌های رایج ارائه و مشاهده نشده است.

بر اساس دیدگاه بینابین (تأکید از نگارنده)، می‌توان قائل به این شد که در حقوق کیفری موضوعه ایران، با ابتناء به قوانین و مقررات موجود و نیز اصل قانونی بودن جرم و مجازات و همچنین، قاعده تفسیر مضیق از قوانین جزایی و قاعده تفسیر به نفع متهم، صرفاً جعل اثر انگشت و یا سوءاستفاده از سفید اثر انگشت در موارد خاص جرم خواهد بود. به عبارت دیگر، در قوانین و مقررات فعلی ایران، اثر انگشت افراد در شرایط و موارد خاصی در حکم امضاء تلقی می‌شود و علی‌الاصول اثر انگشت نمی‌تواند جایگزین امضاء محسوب شود.

۱-۲- جرم بودن سوءاستفاده و یا جعل اثر انگشت افراد بی‌سواد و افراد باسواد عاجز از امضاء

به موجب این دیدگاه، صرفاً اثر انگشت افراد بی‌سواد و یا افراد باسواد عاجز از امضاء، در حکم امضاء تلقی شده و جعل اثر انگشت این افراد و یا سوءاستفاده از آن می‌تواند واجد وصف کیفری و مشمول مواد حسب مورد ۵۲۳ و یا ۶۷۳ ق.م.ا.ت. شود. دلایل و مستندات قانونی مبنی بر جرم بودن سوءاستفاده و یا جعل اثر انگشت افراد بی‌سواد و افراد باسواد عاجز از امضاء عبارتند از:

۱- قوانین و مقرراتی چون قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰ با اصلاحات و الحاقات بعدی، آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجراء و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی مصوب ۱۳۸۷، قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ و یا قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی جملگی جزء قوانین شکلی آمره محسوب می‌شوند که می‌توانند به عنوان یک معیار قانونی منطقی در جهت کشف مقصود واقعی قانونگذار از حیث موارد رسمیت داشتن و یا نداشتن اثرانگشت افراد و موارد کاربرد آن و نیز جایگزینی آن به جای امضاء قابل اتکا باشند. مذاقه در مفاد قوانین و مقررات فوق‌الذکر، صرفاً حکایت از این واقعیت دارند که اثرانگشت افراد تحت شرایط و موارد خاص قابلیت جایگزینی به جای امضاء را داشته و در حکم امضاء تلقی می‌شود. به عبارت دیگر، قوانین یاد شده، تصریحاً اشاره به اعتبار قانونی داشتن اثر انگشت در شرایط و موارد خاص دارد و در خارج از این شرایط و موارد خاص، اثرانگشت افراد به تنهایی فاقد آثار حقوقی لازم خواهد بود. زیرا

اولاً، قانونگذار در قانون ثبت اسناد و املاک و نیز آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجراء و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی مصوب ۱۳۸۷، در مواد مختلف قانونی از واژه اخذ امضاء در دفاتر ثبت استفاده نموده و اثر انگشت را صرفاً برای افراد بی‌سواد پیش‌بینی کرده است. به موجب ماده ۶۷ قانون ثبت، «ثبت سند باید برای شخص بی‌سواد فرانت شده و این فرانت و همچنین رضایت مشارالیه باید در دفتر ثبت قید و از طرف معتمد امضاء گردد. معامله‌کننده بی‌سواد نیز باید علامت انگشت خود را ذیل ثبت سند بگذارد.» همچنین، ماده ۱۵ آیین‌نامه اجرای فوق‌الذکر نیز مقرر داشته است: «مأمور اجراء مکلف است ظرف ۴۸ ساعت از زمان دریافت اوراق اجراییه یک نسخه از آن را به شخص متعهد تسلیم و رسید بگیرد... اگر اشخاص نامبرده بی‌سواد باشند اثر انگشت آنها باید در ذیل برگ اجرایی و سایر اوراق منعکس شود...». بنابراین، با توجه به مقرره‌های قانونی یاد شده، ثبت اثر انگشت در اسناد رسمی مخصوص افراد بی‌سواد بوده و برای گرفتن اثر انگشت از اشخاص باسواد مجوزی وجود ندارد. وانگهی، بند (۵) بخشنامه شماره ۱۱/۳۷۱ مورخ ۱۳۷۹/۱۱/۲۵ کانون سردفتران و دفتریاران تهران، دلالت بر عدم جواز اخذ اثر انگشت از افراد باسواد دارد؛ به این معنا که در دفاتر اسناد رسمی، اخذ اثر انگشت از افرادی که توانایی نوشتن و خواندن دارند، مجاز نیست و تنها از اشخاص بی‌سواد می‌توان اثر انگشت گرفت.

ثانیاً، قانونگذار نه تنها با به کار بردن واژه «بی» میان دو کلمه «امضاء» و «اثر انگشت» در تمام مواد ۵۳، ۶۰، ۶۹، ۱۳۲، ۱۴۱، ۱۹۹، ۲۰۷، ۲۱۲، ۳۱۹، ۴۸۸ و ۶۵۵ ق.آ.د.ک، حتی تصریحاً در تبصره ذیل ماده ۵۳ قانون یاد شده، چنین مقرر داشته است: «در این ماده و در سایر مواد مقرر در این قانون که اخذ امضاء و یا اثرانگشت شخص پیش‌بینی شده است، اثرانگشت در صورتی دارای اعتبار است که شخص قادر به امضاء نباشد.» لذا تبصره مذکور، می‌تواند دلیل قطعی بر کشف مقصود واقعی قانونگذار ایران بوده که اثرانگشت افراد صرفاً در موارد و شرایط خاص دارای اعتبار و ارزش قانونی است و اثر انگشت افراد {باسوادی} که قادر به امضاء بوده به تنهایی فاقد ارزش و اعتبار قانونی است و لذا اخذ اثرانگشت از این افراد به تنهایی ذیل صورتمجلس و اوراق قضایی قابلیت استناد و ارزش قانونی را ندارد، حتی قانونگذار در ماده ۶۳ ق.آ.د.ک، تخلف از مفاد ماده ۵۳ را جرم تلقی و برای مرتکب محکومیت به سه ماه تا یکسال انفصال از خدمات دولتی پیش‌بینی کرده است.

ثالثاً، بند ۷ از ماده ۵۱ ق.آ.د.م مصوب ۱۳۷۹ نیز مؤید دیگر بر تقویت این دیدگاه بوده که اثر انگشت فقط در شرایط خاص می‌تواند به عنوان جایگزین امضاء دارای اعتبار باشد. قانونگذار در این مقرر قانونی در مقام بیان احصاء شرایط دادخواست، در بند ۷ از ماده ۵۱ قانون مزبور چنین تصریح داشته است: «بند ۷- امضاء دادخواست‌دهنده و در صورت عجز از امضاء، اثر انگشت او».

۲- با توجه به صراحت مقرره‌های قانونی فوق‌الذکر از یکسو، و جنبه شکلی و آمرانه داشتن این قوانین و مقررات از سوی دیگر، قائل به شمول مواد ۵۲۳ و ۶۷۳ ق.م.ا.ت بر مطلق موارد اثرانگشت (چه اثرانگشت افرادی که قادر به امضاء بوده و چه افرادی که قادر به امضاء نباشند)، با اصول مسلم حقوق کیفری مانند اصل قانونی بودن جرم و مجازات و همچنین، با قواعد تفسیر حقوق کیفری نظیر قاعده تفسیر مضیق از قوانین جزایی و قاعده تفسیر به نفع متهم (ماده ۱۲۰ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲)، مغایرت آشکار دارد و در واقع، بر خلاف تفسیر غایی و منطقی از مقررات شکلی و آمرانه محسوب می‌شود.

۳- تلقی اثر انگشت به عنوان مصداقی از علائم قانوناً محل اشکال جدی خواهد بود. زیرا نه تنها این دو واژه از لحاظ مفهومی، متفاوت بوده که مهمتر اینکه قانونگذار در مواد ۵۲۵ و ۵۲۸ تا ۵۳۰ ق.م.ا.ت، موارد کاربرد علائم به موضوع جعل را احصاء کرده است. به عبارت دیگر، موارد کاربرد علائم فقط ناظر بر تعیین عیار طلا و نقره، علامت ادارات دولتی یا مؤسسات عمومی غیردولتی و شرکت‌های غیردولتی و تجارتخانه‌ها پیش‌بینی شده است.

لذا مطابق این دیدگاه بنا به دلایل یاد شده، جعل اثر انگشت افراد باسوادی که قادر به امضاء هستند و یا سوء استفاده از سفیداثر انگشت این افراد، جرم و قابل مجازات نخواهد بود و در صورت استفاده و ارائه آن به قصد بردن مال دیگری، فقط می‌تواند مصداق مانور متقلبانه و سپس حسب مورد شروع به کلاهبرداری و یا کلاهبرداری موضوع ماده ۱ ق.ت.م.ا.ا.ک مصوب ۱۳۶۷ تلقی شود.

۱-۲- جرم نبودن سوءاستفاده و یا جعل اثر انگشت افراد باسواد قادر به امضاء

به موجب دیدگاه بینابین، جعل اثر انگشت افراد باسواد قادر به امضاء از شمول وصف کیفری مزبور خارج خواهد بود؛ چراکه جرم دانستن جعل و یا اثر انگشت این دسته از افراد نه تنها با مقصود قانونگذار ایران در قوانین موضوعه فوق‌الذکر منافات دارد که حتی با اصول و قواعد تفسیری حاکم بر حقوق جزا نیز منافات دارد که شرح آن در بالا گذشت.

با این وجود، ایراد و اشکال اساسی وارد بر پذیرش این دیدگاه می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

الف- اشکال حقوقی و فنی: ۱- تمییز میان اثر انگشت افراد بی‌سواد و افراد باسواد عاجز از امضاء و یا سوء استفاده از آن با اثر انگشت افراد باسواد قادر به امضاء در این خصوص، فاقد توجیه حقوقی و منطقی خواهد بود. زیرا خصوصیتی پیرامون موضوع در تفکیک میان افراد مزبور وجود ندارد. ۲- ارزش اثباتی اثر انگشت افراد در رسیدگی‌های قضایی به عنوان یکی از ادله اثبات دعوا به مراتب می‌تواند بالاتر از حتی امضاء و مهر باشد؛ چراکه اثر انگشت هیچ کسی در دنیا با دیگری مشابه نخواهد بود. ۳- تفکیک مزبور بر خلاف مقصود واقعی قانونگذار و منطق حقوقی (لزوم هماهنگی میان ضمانت اجرا در حقوق مدنی با حقوق کیفری) و یک نوع ترجیح بلامرغ محسوب خواهد شد. زیرا قانونگذار در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹، در فصل مربوط به رسیدگی به دلایل همواره در کنار واژه «امضاء و مهر»، واژه «اثر انگشت» را نیز به کار برده است (مواد ۲۱۶، ۲۲۳، ۲۲۴ و ۲۲۶ ق.آ.د.م. مصوب ۱۳۷۹).

ب- اشکال عملی: پذیرش دیدگاه سوم می‌تواند منجر به بروز ایراد عملی از حیث اثبات مسأله عجز و یا توانایی افراد باسواد در درج امضاء شود. به عبارت دیگر، گاهی اوقات اثبات دقیق قضیه که افراد در زمان تنظیم یک سند غیرواقعی عاجز از امضاء مثلاً به دلیل شکستگی و یا هر نوع آسیب وارده به دست بوده یا نبوده، کار آسانی نیست.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این نوشتار، در پاسخ به این سؤال که آیا در حقوق کیفری ایران با توجه به سکوت قانونگذار در موادی چون ۵۲۳ و یا ۶۷۳ ق.م.ا.ت. ۱۳۷۵ نسبت به قید «اثر انگشت» در کنار امضاء و مهر از یک سو، و ضرورت اتکاء قاضی کیفری به تکنیک‌ها و اصول حاکم بر تفسیر قوانین جزایی، اثر انگشت را می‌توان در حکم امضاء تلقی کرد؟، بیانگر این است که در این باره دو دیدگاه رایج میان دکترین حقوق کیفری ایران وجود دارد که برخی قائل به جرم نبودن جعل اثر انگشت و یا سوءاستفاده از آن در تمام موارد و برخی دیگر قائل به جرم بودن آن در مطلق موارد بوده و هر کدام از طرفداران دو دیدگاه فوق، دلایل و توجیهاتی را ارائه داشته که در این پژوهش بدان اشاره شده است.

اما در شرایط فعلی، با توجه به نقاط قوت و ضعف دو دیدگاه مذکور و لحاظ قوانین موضوعه از حیث ضرورت اخذ اثر انگشت از افراد بی‌سواد در موارد خاص و عدم تأثیر اخذ امضاء از آنان و همچنین، لزوم تقیید قاضی کیفری به اصول و قواعد اساسی حاکم بر حقوق جزا، نگارنده بر خلاف دیدگاه‌های رایج، قائل به طرح دیدگاه سوم در قالب یک رویکرد تلفیقی بوده که بر مبنای آن صرفاً اثر انگشت افراد بی‌سواد و یا افراد باسواد عاجز از امضاء، دارای اثر حقوقی و قضایی بوده و لذا جعل اثر انگشت این افراد و یا سوءاستفاده از آن می‌تواند واجد وصف کیفری و مشمول مواد حسب مورد ۵۲۳ و یا ۶۷۳ ق.م.ا.ت. شود. با این وجود، نگارنده، به لحاظ تطبیق بیشتر دیدگاه نخست با واقعیت‌های اجتماعی و قضایی و همچنین، ایرادهای فنی و حقوقی و نیز عملی متعدد وارده بر دیدگاه تلفیقی، آنرا (دیدگاه نخست) را بر دیدگاه‌های دیگر ترجیح خواهد داد که همسو با آن قانونگذار ایران (معاونت حقوقی و امور مجلس قوه قضائیه) نیز در راستای اجرای بهتر عدالت و به منظور رفع این ابهام، در ماده ۱۱۶ از پیش‌نویس لایحه اصلاح باب پنجم قانون مجازات اسلامی (لایحه تعزیرات) صراحتاً اشاره به واژه «اثر انگشت» به طور مطلق (اعم از اثر انگشت افراد باسواد یا بی‌سواد) در کنار امضاء و مهر کرده است.

لذا در پایان چنین پیشنهاد می‌شود که: اولاً، ماده ۱۱۶ از لایحه یاد شده از آن حیث بدون تغییر مورد تصویب نهایی در مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای محترم نگهبان قرار گیرد. یعنی جعل اثر انگشت کلیه افراد اعم از باسواد و بی‌سواد را جرم دانسته و برای آن مجازات در نظر گیرد. ثانیاً، قانونگذار در ماده ۶۷۴ ق.م.ا.ت. نیز عبارت «اثر

انگشت کلیه افراد» را اضافه نموده که در نتیجه آن سوء استفاده از سفید اثر انگشت کلیه افراد نیز جرم و قابل مجازات دانسته شود.

فهرست منابع

الف- منابع فارسی

- ۱- آزمایش، علی (۱۳۸۲ش)، تقریرات حقوق کیفری، جلد اول (باب جرایم علیه اموال، قسمت دوم)، تحریر: سید عمادالدین طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- ۲- آقای نیما، حسین و رستمی، هادی (۱۴۰۴ش)، حقوق کیفری اختصاصی ۱ (جرایم علیه اموال و مالکیت)، چاپ پنجم، تهران، نشر میزان.
- ۳- آقای نیما، حسین و رستمی، هادی (۱۴۰۳ش)، حقوق کیفری اختصاصی ۲ (جرایم علیه مصالح عمومی کشور)، چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان.
- ۴- الهی منش، محمدرضا و مرادی اوجقاز، محسن (۱۴۰۱ش)، حقوق کیفری اختصاصی ۱ (جرایم علیه اموال و مالکیت)، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
- ۵- الهی منش، محمدرضا و مرادی اوجقاز، محسن (۱۴۰۰ش)، حقوق کیفری اختصاصی ۲ (جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی)، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
- ۶- انصاری، ولی الله (۱۳۸۰ش)، کشف علمی جرایم. چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
- ۷- بارانی، محمد (۱۴۰۳ش)، جعل و تزویر در قانون و رویه قضایی ایران، چاپ دهم، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- ۸- بازگیر، یداله (۱۳۷۶ش)، سرقت، جعل و خیانت در امانت در آرای دیوان عالی کشور، چاپ اول، تهران، نشر حقوقدان.
- ۹- پور ارشد، نادر (۱۳۹۰ش)، امضاء در حقوق ایران، فصلنامه پژوهش‌های حقوق خصوصی، شماره ۱.
- ۱۰- پیمانی، ضیاءالدین (۱۳۶۵-۶۶ش)، جزوه پلی کیپی درس حقوق کیفری اختصاصی، کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- ۱۱- حبیب زاده، محمدجعفر (۱۳۹۳ش)، حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اموال)، چاپ هفتم، تهران، انتشارات سمت.
- ۱۲- دیانتی، عبدالله (۱۳۹۲ش)، نقش انگشت‌نگاری در جرم‌یابی، فصلنامه کارآگاه، سال ششم، دوره ۲، شماره ۲۴.
- ۱۳- زراعت، عباس (۱۳۸۵ش)، حقوق جزای اختصاصی ۲ (جرایم علیه اموال و مالکیت)، چاپ اول، تهران، انتشارات فکرسازان.
- ۱۴- سالاری، مهدی (۱۳۸۶ش)، حقوق جزای اختصاصی (جعل و تزویر)، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- ۱۵- سالاری شهرابکی، میرزا مهدی (۱۳۹۳ش)، حقوق کیفری اختصاصی (تحلیل جرم جعل و تزویر)، چاپ سوم، تهران، انتشارات جنگل.
- ۱۶- سلیمان‌پور، محمد (۱۳۴۲ش)، جعل اسناد در حقوق ایران و از نظر حقوق تطبیقی، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش.

- ۱۷- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۹۸ش). *حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه مصالح عمومی کشور)*. جلد دوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد.
- ۱۸- شریفی، محسن (۱۴۰۳ش). تأملی بر رویکرد لایحه اصلاح باب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) راجع به جعل و استفاده از سند مجعول، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، دوره ۲۱، شماره ۲۸ (10.30513/CLD.2025.6339.2026).
- ۱۹- شیرینی، عباس (۱۴۰۱ش). *حقوق جزای اختصاصی (جعل و تزویر)*، چاپ سوم، تهران، نشر میزان.
- ۲۰- عمید، حسن (۱۳۵۷ش). *فرهنگ فارسی*، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- ۲۱- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۶ش)، *حقوق جزای اختصاصی*، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۲- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۳ش)، *محشای قانون مجازات اسلامی*، چاپ سوم، تهران، انتشارات مجتمع علمی و فرهنگی مجد.
- ۲۳- فصلی، امیر (۱۴۰۱ش). تحلیل جزائی عناصر سازنده جرم جعل و استفاده از سند مجعول در نظام کیفری ایران، فصلنامه رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی، شماره ۱۲.
- ۲۴- مصالبی علیرضا (۱۳۸۷ش)، *جعل و تزویر در حقوق کیفری ایران*، چاپ دوم، تهران، انتشارات خط سوم.
- ۲۵- منصور آبادی، عباس و فتحی، محمدجواد (۱۳۹۰ش). *جعل و تزویر و جرایم وابسته*، چاپ نخست، تهران، انتشارات سمت.
- ۲۶- مؤذن‌زادگان، حسنعلی و حمیدزاده اویابی، نجف (۱۳۹۲ش)، کاربرد انگشت‌نگاری در جرم‌یابی، فصلنامه کارآگاه، سال ششم، دوره ۲، شماره ۲۴.
- ۲۷- مؤیدی، محمدصالح (ش ۱۴۰۱)، بررسی جرم سوءاستفاده از سفید مهر و سفید امضاء، ماهنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره ۱۱.
- ۲۸- میرمحمد صادقی، حسین (ش ۱۴۰۴)، *حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه مصالح عمومی کشور)*، چاپ چهل و هفتم، تهران، نشر میزان.
- ۲۹- ولیدی، محمدصالح (ش ۱۳۸۲)، *حقوق جزای اختصاصی ۳*، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ب- وبسایت‌ها
- ۳۰- پایگاه اینترنتی: <https://davoudabadi.ir/page/8053176> بازیابی شده در ۱۴۰۴/۰۷/۲۶.
- ۳۱- پایگاه اینترنتی: <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/8027> بازیابی شده در ۱۴۰۴/۰۷/۲۵.
- ۳۲- پایگاه اینترنتی: <https://vokalapress.ir/> بازیابی شده در ۱۴۰۴/۰۷/۲۵.
- ۳۳- پایگاه اینترنتی: <https://maxasecurity.com/blog/fingerprint-forgery> تاریخ مشاهده: ۱۴۰۴/۱۰/۰۲.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسنده، این مقاله تعارض منافع ندارد.

حامی مالی

مقاله حاضر مالی ندارد.